

بخش ۱

مقدمات

اقتصاد چیست؟

چرا علم اقتصاد را می‌آموزیم؟

انسان در زندگی مادی خویش، نیازهایی دارد که برای ادامهٔ حیات ناگزیر است آنها را برآورده کند. منبع رفع این نیازها، امکاناتی است که طبیعت در اختیار انسان گذاشته است. در این تصویر بسیار ساده از زندگی مادی انسان با دو مفهوم، یعنی «نیازهای انسان» و «منابع و امکانات» روبه‌رو می‌شویم. در ادامه، هر یک از این دو مفهوم را توضیح می‌دهیم.

نیازهای انسان

نیازهای مادی انسان محرک او برای فعالیت و تلاش اقتصادی است؛ به عبارت دیگر، انسان به دنبال احساس نیاز تصمیم می‌گیرد که آن نیاز را رفع سازد و بعد از رفع نیاز، احساس رضایت می‌کند.

گاهی ممکن است چنین تصور شود که با گذشت زمان، تمام نیازهای انسان برطرف می‌شود و او دیگر محرکی برای فعالیت نخواهد داشت اما چنین نیست. در واقع، با برآورده شدن هر نیاز، نیاز جدیدی مطرح می‌شود و بدین ترتیب، همراه با ظهور نیازهای جدید، انسان به فعالیت بیشتر برای ارتقای سطح زندگی خویش می‌پردازد؛ مثلاً، برای گروهی از

انسان‌ها که از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی محروم‌اند، اساسی‌ترین نیاز این است که سرپناهی داشته باشند تا در آن از گزند سرما، گرما و درندگان مصون بمانند و نیز غذای مختصری داشته باشند که با آن رفع گرسنگی کنند اما وقتی این نیازها تا حدّ مقبول برطرف می‌شود، همین افراد احساس می‌کنند که به امکانات رفاهی بیشتری نیاز دارند؛ مثلاً ممکن است به فکر مسکنی بزرگ‌تر و مجهزتر از سرپناه اولیه بیفتند یا نیازهای جدید دیگری برایشان مطرح شود.

بدین سبب، می‌توان گفت که انسان موجودی سیری‌ناپذیر است؛ زیرا با برآورده شدن پاره‌ای از نیازهایش، احساس بی‌نیازی به او دست نمی‌دهد بلکه نیازهای تازه‌ای در او شکل می‌گیرد و او با عطش بیشتری درصدد رفع این نیازها برمی‌آید.

..... و امنیت ... بهداشت و درمان ... آموزش ... حمل و نقل ... مسکن ... پوشاک ... خوراک

نیازهای مختلف انسان

فعالیت ۱-۱

از نیازهای یک خانواده روستایی و یک خانواده شهری فهرستی تهیه کنید.

منابع و امکانات

درباره منابع و امکانات موجود در جهان که انسان برای رفع نیازهای خود از آنها استفاده می‌کند، به دو نکته مهم می‌توان اشاره کرد:

نکته اول اینکه منابع و امکانات موجود در دسترس انسان، محدود است. البته در نظر اول، پذیرش این نکته قدری مشکل است اما با اندکی دقت، صحت آن را درمی‌یابیم. مقدار زمین‌های کشاورزی، ذخایر معدنی، سرمایه و نیروی کاری که در اختیار یک جامعه قرار دارد، محدود است. حتی ممکن است زمین‌های کشاورزی نسبتاً زیادی در اختیار جامعه باشد ولی زمین‌های مرغوبی که بازدهی بالایی دارند، کم است. همچنین، زمین‌هایی

که نزدیک به محلّ زندگی و تجمع انسان‌ها قرار دارند و به همین دلیل، بهره‌برداری از آنها هزینه حمل و نقل چندانی ندارد، محدودند. به‌علاوه، با وجود ذخایر معدنی فراوان در کره زمین، به دلیل ناشناخته بودن بسیاری از این ذخایر و نیز محدود بودن دانش فنی بشر، بهره‌برداری کامل از این منابع و امکانات آسان نیست.



یک قطعه زمین که قسمتی از آن قابل کشت و قسمت‌های دیگر آن غیر قابل کشت می‌باشد.

دومین نکته این است که منابع و امکانات مذکور قابلیت‌های مصرف متعددی دارند. بدین معنی که از آنها می‌توان برای رفع نیازهای مختلف و متنوع استفاده کرد؛ مثلاً، زمین‌های کشاورزی را هم می‌توان برای تولید پوشاک به زیر کشت پنبه برد و هم برای تهیه غذا، در آن گندم کاشت. الوار تهیه شده از درختان جنگلی را می‌توان برای تولید میز و صندلی به کار برد و هم به صورت هیزم از آن برای ایجاد گرما استفاده کرد. بخشی از نیروی کار موجود در یک جامعه، هم می‌تواند در فعالیت‌های تولیدی شرکت کند و هم به شکل نیروی نظامی در خدمت تأمین امنیت کشور باشد؛ بنابراین، بیشتر منابعی که در دسترس انسان قرار دارد، منحصراً برای رفع یک نیاز معین (تولید کالا برای رفع آن نیاز) به کار نمی‌رود بلکه برای برآوردن نیازهای دیگر نیز از آنها استفاده می‌شود.

فعالیت ۱-۲

پول ماهیانه یکی از امکاناتی است که در اختیار شما قرار می‌گیرد. ضمن برشمردن مصارف متعدد آن تحقیق کنید که بهترین راه مصرف این پول چیست.

طرح مسئله اقتصادی

از مطالب گفته شده می توان این گونه نتیجه گیری کرد :

۱- نیازهای انسان نامحدود است.

۲- منابع و امکانات موجود محدود است.

۳- از این منابع و امکانات محدود می توان به روش های گوناگون استفاده کرد.

منابع و امکانات محدود، قادر به رفع نیازهای نامحدود انسان نیستند. بدین ترتیب، انسان بر سر دوراهی قرار می گیرد و ناگزیر است که یکی را انتخاب کند. در واقع، او نمی تواند همه خواسته هایش را با استفاده از امکانات موجود برآورده کند؛ بنابراین، باید ابتدا آن گروه از نیازهای خود را که اولویت بیشتری دارند برطرف سازد.

از آنجا که منابع در دسترس انسان، کاربردهای گوناگون دارند، انسان باید در مورد نحوه استفاده از این منابع تصمیم بگیرد و روش معینی را انتخاب کند؛ برای مثال، باید تصمیم بگیرد که زمین های کشاورزی محدودی را که در اختیار دارد به زیر کشت گندم ببرد یا اینکه آنها را به تولید پنبه اختصاص دهد. اگر بنا بر تولید هر دو محصول است، چه مقدار از زمین را به کشت هر یک از دو محصول اختصاص دهد؟

پرسش هایی از این قبیل را می توان در یک پرسش اساسی خلاصه کرد :

«بهترین روش استفاده از منابع و امکانات کدام است؟»

به یقین، ملاک «بهترین بودن» این است که با استفاده از این منابع بتوان بیشترین میزان تولید را به دست آورد و سطح بالاتری از رفاه را برای انسان فراهم کرد.

انسان در طول زمان با به کارگیری قوای فکری خود، همواره در صدد یافتن «بهترین راه» بوده است. حاصل این تلاش فکری، پدید آمدن «اندیشه اقتصادی» است. با گسترش و پیشرفت تمدن بشری، اندیشه اقتصادی بشر نیز تکامل بیشتری یافت و با عنوان «علم اقتصاد» جزء شاخه های معارف بشری قرار گرفت.

علم اقتصاد درباره چه موضوعاتی بحث می کند؟

علم اقتصاد مانند هر علم دیگری، درباره موضوعات معینی بحث می کند؛ به عبارت دیگر، برای پاسخ گویی به پرسش های خاصی طراحی شده است. برای شناختن موضوعاتی که علم اقتصاد به آنها می پردازد، تصویر ساده ای از اقتصاد جامعه را مدنظر قرار می دهیم.

افراد جامعه در قالب خانوارها برای رفع نیازهای خود، به کالاها و خدمات خاصی احتیاج دارند. آنها برای تهیه کالاها و استفاده از خدمات موردنیاز خود پول هم می پردازند. تولیدکنندگان با هدف کسب سود، کالاها و خدمات موردنیاز مردم را تولید و عرضه می کنند. این کالاها و خدمات را در بازارها عرضه می کنند و به فروش می رسانند. وقتی به این تصویر ساده از اقتصاد توجه می کنیم، سؤالات بسیاری برایمان مطرح می شود؛ از جمله این سؤال ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

— چگونه مردم در مورد خریدن یا نخریدن یک کالا تصمیم می گیرند؟ چگونه مقدار کالایی را که باید بخرند، تعیین می کنند؟

— چگونه تولیدکنندگان درباره تولید یا میزان تولید یک کالا تصمیم می گیرند؟

— چرا مقدار بعضی از کالاها در بازار زیاد و بعضی دیگر کم است؟

— چرا قیمت بعضی کالاها افزایش می یابد اما قیمت بعضی ثابت می ماند یا حتی

کاهش می یابد؟

— چرا بعضی مؤسسات تولیدی به سودهای سرشار دست می یابند اما بعضی دیگر

ضرر می کنند و حتی ورشکسته می شوند؟

— چرا در بعضی جوامع، تولید زیاد و در بعضی کم است؟ چرا قیمت پول بعضی

کشورها با ثبات و بعضی بی ثبات است؟

این پرسش ها و بسیاری از پرسش های مشابه دیگر در محدوده مطالعات اقتصادی

قرار می گیرند. علم اقتصاد تلاش می کند تا برای هر یک از این پرسش ها، پاسخ مناسب

و منطقی بیابد و ارائه کند.

فعالیت ۳-۱

برخی موضوعات مورد بحث علم اقتصاد به طور درهم در جدول روبه‌رو آمده است. طبق نمونه آنها را پیدا کنید و در جای مناسب بنویسید.

ا _____ ت _____ و _____
ب _____ ق _____ ع _____
پ _____ د _____ ت _____
ت _____ م _____ مصرف م _____
س _____ ت _____ ب _____

س د ب س ا ن د ا ر ت
ر م و ق ن ت ق ا ض ا
م ا ل ی ا ت و ل ی د
ا ل و م ب و د ج ه ر
ی ی ا ت ا ز و ا ی ا
ه ا ر و ن ی ن ر ج م
گ ت ز س ک ع ر ض ه د
ذ پ س ا ن د ا ز ن ی
ا س م ص ر ف ک ر د ش
ر ت د ج و ا ر د ا ت
ی و ر و ن ت و س ع ه

آیا اقتصاد علم است؟

در هر یک از علوم بشری، دانشمندان با استفاده از ابزارهای خاص و انجام دادن آزمایش‌های مرتبط و مناسب، دربارهٔ موضوعات و مسائل خاصی مطالعه می‌کنند؛ مثلاً در علم شیمی، شیمی‌دان‌ها دربارهٔ مواد مختلف و تأثیر آنها بر یکدیگر مطالعه می‌کنند؛ زیست‌شناس‌ها در مورد وضعیت گونه‌های مختلف جانداران مطالعه می‌کنند و ...

همان‌طور که می‌بینید، هر یک از این علوم فضایی خاص و متفاوت با سایر علوم دارد. با این حال، اگر به همهٔ شاخه‌های علوم دقت کنیم، شباهت‌های خاصی در روش مطالعهٔ دانشمندان پیدا می‌کنیم.

در همهٔ شاخه‌های علوم، دانشمندان به دنبال یافتن روابط علت و معلولی بین پدیده‌های مورد مطالعه هستند. به همین منظور، به انجام مشاهدات، جمع‌آوری اطلاعات و سپس طبقه‌بندی آنها می‌پردازند.

در مرحله بعد، آنها برای توجیه واقعیت‌های مورد مطالعه نظریات خود را ارائه می‌دهند و سپس با بررسی بیشتر، نظریات مطرح شده را ارزیابی می‌کنند و درباره رد یا قبول آنها تصمیم می‌گیرند.

هرچند اقتصاددانان در مطالعات اقتصادی امکان استفاده از ابزارهای خاص علوم تجربی مانند میکروسکوپ، تلسکوپ و نظایر آن را ندارند اما با روشی بسیار مشابه روشی که در علوم تجربی به کار گرفته می‌شود، به بررسی واقعیت‌ها می‌پردازند.

آنان نیز به دنبال کشف روابط علت و معلولی بین پدیده‌های اقتصادی عالم واقع، با جمع‌آوری مشاهدات و اطلاعات، نظریاتی را ارائه می‌کنند و سپس به ارزیابی و قبول یا رد آنها می‌پردازند. پس آنان نیز با روش علمی مسائل اقتصادی را مطالعه می‌کنند.

همان‌طور که گفته شد، اندیشیدن درباره مسائل اقتصادی سابقه‌ای طولانی دارد اما در زمان‌های گذشته، این اندیشیدن و تلاش برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که در عرصه زندگی اقتصادی بشر مطرح می‌شد، همانند امروز علمی نبود و نظم منطقی نداشت؛ زیرا انسان هنوز نمی‌توانست روش‌های تحلیل علمی را در مسائل اقتصادی به کار گیرد. با گذشت زمان و گسترش مرزهای دانش بشری و افزایش تجربیات و مطالعات، انسان امکان به‌کارگیری روش‌های تحلیل علمی را فراهم آورد؛ بر این اساس، از زمانی که انسان توانست با استفاده از روش‌های علمی منسجم به بررسی مسائل اقتصادی بپردازد و درباره پدیده‌های مادی عالم واقع استدلال کند، علم اقتصاد پدید آمد.

اقتصاددانان با تکیه بر مطالعات علمی خود، توانسته‌اند ماهیت روابط علت و معلولی بین پدیده‌های اقتصادی را کشف کنند. به همین دلیل، امروزه می‌توان در عرصه اقتصاد برای رسیدن به هدفی خاص، سیاست‌هایی را طراحی و اجرا کرد و نتایج اجرای آنها را از قبل پیش‌بینی نمود. همچنین، می‌توان با پیش‌بینی برخی مشکلاتی که ممکن است در عرصه اقتصاد بروز کند، روش‌هایی را برای جلوگیری از بروز آنها طراحی کرد.

این نتایج همگی، حاصل استفاده از روش‌های علمی در مطالعات اقتصادی و به اصطلاح، شکل‌گیری و تکامل علم اقتصاد است. البته علم اقتصاد هنوز مراحل تکامل خود را طی می‌کند.

تعریف علم اقتصاد

با توجه به آنچه گفته شد، علم اقتصاد چگونگی انتخاب و تصمیم‌گیری انسان در زندگی اقتصادی خویش را مورد مطالعه قرار می‌دهد. تصمیماتی که انسان در مورد مسائل اقتصادی می‌گیرد، عمدتاً ریشه در نیازها و خواسته‌های نامحدود او دارند و باید از طریق به‌کارگیری منابع و امکانات محدود و در دسترس عملی شوند. پس می‌توان علم اقتصاد را به صورت زیر تعریف کرد:

«علم اقتصاد علمی است که رفتار بشر را به صورت رابطه بین منابع و عوامل تولید کمیاب (که موارد استفاده مختلف دارند) و نیز نیازهای مادی نامحدود او را مطالعه می‌کند.» این تعریف دقیقاً دربرگیرنده سه نکته مهم است که قبلاً درباره آنها سخن گفته‌ایم. این سه نکته عبارت‌اند از: «نامحدود بودن نیازها»، «محدود بودن منابع» و «قابلیت مصارف متعدد منابع». از این رو می‌توان گفت «هدف علم اقتصاد، راهنمایی انسان برای انتخاب بهترین روش جهت استفاده از منابع و امکانات خویش است.»

اهمیت اقتصاد

اقتصاد و مسائل مربوط به آن، فقط یک جنبه از زندگی انسان است و همه زندگی انسان در اینها خلاصه نمی‌شود. با این حال، مسائل اقتصادی در زندگی نقش مهمی دارند. بخش مهمی از تلاش انسان‌ها در طول زندگی، صرف تأمین معاش و ارتقای سطح زندگی مادی می‌شود.

در همه جوامع - چه در گذشته چه در حال - افزایش سطح رفاه و برخورداری آحاد جامعه از امکانات مادی بیشتر و بهتر از اهداف بسیار مهم بشر است.

دین اسلام با اینکه ارتقای معنوی انسان و خداگونه شدن او را مدنظر قرار داده است و تلاش می‌کند انسان را از اسیر شدن به مادیات و دل بستن به دنیا برهاند ولی، بی‌اعتنایی به مسائل دنیوی و اقتصادی را تبلیغ نمی‌کند. اسلام در دسترس نبودن معاش را خطری می‌داند که اعتقادات انسان را تهدید می‌کند^۱. از نظر اسلام، تلاش برای رفع فقر و رسیدن

۱- من لا معاش له، لا معاد له.

به رفاه و توانگری مادی پسندیده است و فردی که برای ارتقای سطح زندگی خانواده اش می کوشد، همانند کسی که در راه خدا جهاد می کند، شایسته تقدیر است^۱. بدین ترتیب، از نظر اسلام اقتصاد در زندگی فرد اهمیت ویژه ای دارد. علاوه بر این، یکی از علل اهمیت روزافزون مسائل اقتصادی در جهان امروز، تأثیر عوامل اقتصادی بر همه جنبه های زندگی ملل - اعم از اجتماعی، سیاسی و فرهنگی - است. کشوری که وضعیت اقتصادی آن نابسامان باشد و نتواند پایه پای بقیه کشورهای دنیا در مسیر پیشرفتی همه جانبه حرکت کند، بسیار آسیب پذیر می شود و از نظر اجتماعی و سیاسی به بحران های گسترده دچار می گردد. چنین جامعه ای نمی تواند با اتکا به فرهنگ ملی خود، مسیر آینده خویش را تعیین کند و به شدت تحت تأثیر فرهنگ مهاجم غربی و شرقی قرار می گیرد. بدین جهت، اگر جامعه ای به دنبال حفظ استقلال سیاسی و فرهنگی خود است، باید به رشد و پیشرفت اقتصادی به مثابه یکی از مهم ترین ابزارها در این مسیر توجه کند.

علم اقتصاد به این دلیل اهمیت بسیار زیادی دارد که در عرصه مسائل اقتصادی، راه انتخاب بهتر را به انسان آموزش می دهد. جوامع انسانی به کمک علم اقتصاد می توانند برای استفاده از منابع محدود خود روش مناسب تری بیابند و آن را برای دستیابی به نتیجه مطلوب به کار گیرند.

علم اقتصاد و تعالیم اسلامی

بر اساس علم اقتصاد، انسان موجودی سیری ناپذیر و دارای نیازهای نامحدود است که منابع و ثروت های محدود جهان را در اختیار دارد. اسلام ضمن تأکید بر قناعت و پرهیز از مصرف گرایی و به عبارتی، محدود کردن نیازهای انسان، نعمت های الهی را بی حد و حصر و نامحدود معرفی می کند^۲. بر این اساس، ممکن است چنین به نظر رسد که میان پیش فرض های علم اقتصاد و تعالیم اسلامی تقابلی آشکار وجود دارد ولی با اندکی تأمل

۱- الکاد علی عیاله، کالمجاهد فی سبیل الله.

۲- وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا (قرآن کریم، سوره ابراهیم، آیه ۳۴).

می‌توان دریافت که نامحدود بودن نیازهای انسان، الزاماً به معنای مصرف‌گرایی و تأکید بر مظاهر مادی نیست. در پاره‌ای از جوامع غیراسلامی، مصرف زیاد نوعی ارزش محسوب می‌شود. در این جوامع، با توجه به سیری ناپذیری انسان و نامحدود بودن نیازهایش مصرف هر چه بیشتر و تأمین امکانات مادی، رفاهی و تجملی تجویز می‌شود. در حالی که تفکر اسلامی، رشد و تعالی فکری و روحی انسان را ارزش می‌داند. بدین سبب، جامعه اسلامی باید با صرف امکانات کافی در جهت رشد و تعالی انسان، اسباب پیشرفت او را فراهم سازد. برای تحقق این امر، لازم است سرمایه‌گذاری‌های عظیمی برای تأسیس نهادهای فرهنگی صورت پذیرد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هدف جامعه مصرفی غیراسلامی، افزایش مصرف و رفاه زیاد و تجملات و هدف جامعه اسلامی، ارتقای سطح فرهنگی و تعالی فکری انسان است. هر دو جامعه در راه رسیدن به خواسته‌های خود سیری ناپذیرند؛ جامعه غیراسلامی، مصرف بیشتر و جامعه اسلامی، تعالی فکری بیشتر را می‌خواهد. از این رو، هر دو جامعه با توجه به خواسته‌هایشان نیازهای نامحدودی دارند و برای رفع این نیازها، به منابع و امکانات نیازمندند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فرض نامحدود بودن نیازهای انسان با الگوی مصرف اسلامی لزوماً ناسازگار نیست.

از سوی دیگر، پذیرفتن فرض محدود بودن منابع در دسترس انسان با اعتقاد به بی‌حد و حصر بودن نعمت‌های الهی ناسازگار نیست؛ زیرا ممکن است پایین بودن سطح دانش فنی انسان سبب محدودیت منابع باشد. سطح پایین دانش فنی در جامعه سبب می‌شود که انسان نتواند نعمت‌های فراوان را، چنان‌که باید، بشناسد و از آنها بهره‌برداری کند؛ در نتیجه، فقط به استفاده از قسمت ناچیزی از آنها بسنده می‌کند.

همچنین ممکن است محدودیت منابع به سبب استفاده نادرست و مصرف بیش از حد باشد؛ مثلاً، منابعی که باید در خدمت آبادانی و افزایش سطح رفاه انسان‌ها قرار گیرد، ممکن است صرف کشتار و جنگ افروزی شود. پس محدود بودن منابع یا به این دلیل است که انسان راه استفاده از منابع را کشف نکرده است یا اینکه از این ثروت‌ها به صورت

نادرست استفاده می کند. بنابراین، بین پیش فرض های اولیه علم اقتصاد و تعالیم اسلامی تقابلی وجود ندارد.

چند مفهوم اولیه

۱- کالا: نیازهای انسان از طریق مصرف محصولات و مواد مختلفی که تولیدکنندگان آنها را تولید و عرضه می کنند، برطرف می شود؛ مثلاً، انسان نیاز به غذا را از طریق مصرف محصولات غذایی رفع می کند. لوازم التحریر، لباس، دارو، اسباب بازی، پارچه، انواع میوه و ... همه کالا هستند. به بیان دیگر، کالا عبارت از شیئی است که برای تأمین و رفع یکی از نیازهای انسان مورد استفاده قرار می گیرد. برای به دست آوردن این کالاها باید به تولیدکنندگان یا عرضه کنندگان آنها پول بپردازیم.



۲- خدمات: آنچه انسان در مقابل پول خریداری می کند و به وسیله آن نیازهایش را برطرف می سازد، فقط در اشیای فیزیکی خلاصه نمی شود؛ برای مثال، انسان به دانستن نیاز دارد و برای رفع این نیاز باید به مؤسسات آموزشی مراجعه کند و با پرداخت پول، آموزش موردنیاز خود را خریداری نماید. در این مثال، او کالای قابل لمس را خریداری نکرده است اما در ازای پولی که پرداخت کرده بر دانسته های خود افزوده است. خدماتی که پزشکان و مشاوران حقوقی ارائه می کنند نیز از این گونه است.



فعالیت ۴-۱

چند نمونه از کالاها و خدماتی را که در طول ماه مورد استفاده خانواده شما قرار می‌گیرد، فهرست کنید.

۳- کالاهای مصرفی و واسطه‌ای : کالاهایی که در بازار عرضه می‌شوند و به فروش می‌رسند، ممکن است توسط مصرف‌کنندگان خریداری شوند و به مصرف برسند یا اینکه تولیدکنندگان دیگری برای تولید کالاهای مختلف دیگر، آنها را خریداری کنند و مورد استفاده قرار دهند. برای مثال، پوشاک یا خوارباری که خانوارها تهیه می‌کنند و به مصرف می‌رسانند، کالای مصرفی نام دارد اما مواد اولیه که توسط کارخانه‌ها خریداری می‌شود و برای تولید کالاهای دیگر به کار می‌رود، کالای واسطه‌ای نام دارد. این طبقه‌بندی در مورد خدمات نیز صدق می‌کند.



۴- کالای ضروری و تجملی : کالاهای تولیدی یا برای تأمین نیازهای اولیه مصرف‌کنندگان (مانند خوراک‌ها، پوشاک و مسکن) یا برای تأمین نیازهای کم‌اهمیت‌تر آنان (مانند لوستر و فرش‌های گران‌قیمت) مصرف می‌شود. کالاهایی که نیازهای اولیه را برطرف می‌کنند، کالاهای ضروری و کالاهای دسته دوم، کالاهای لوکس و تجملی نام دارند.

۵- هزینه فرصت: وقتی منابع و امکانات در دسترس را که قابلیت مصارف متعدد دارد، به مصرف خاصی می‌رسانیم در واقع از مصارف دیگر آن و آثار و نتایجی که می‌توانست به بار آورد، صرف نظر کرده‌ایم؛ مثلاً، اگر زمینی را به کشت پنبه اختصاص دادیم، عملاً از گندمی که می‌توانستیم از آن برداشت کنیم صرف نظر کرده‌ایم یا اگر پولمان را به خرید لباس اختصاص دادیم، از خرید کتاب و سایر ملزومات و نفعی که از آنها می‌توانستیم ببریم، محروم شده‌ایم. «هزینه فرصت» یا «هزینه فرصت از دست رفته»، بیانگر آن چیزی است که از آن صرف نظر کرده و به عبارتی، آن را از دست داده‌ایم. در مثال محصول پنبه، با تصمیم گرفتن به کشت پنبه از محصول گندم محروم شده‌ایم؛ یعنی، هزینه فرصت کاشت پنبه، میزان محصول گندمی است که از آن صرف نظر کرده‌ایم.



فعالیت ۵-۱

موارد مصرف وقت خود را ذکر کنید و مهم‌ترین آنها را مشخص نمایید.

پرسش

- ۱- منظور از داشتن «قابلیت مصارف متعدد» در مورد منابع و امکانات چیست؟
- ۲- چرا افراد باید در میان خواسته‌های خود به انتخاب دست بزنند؟
- ۳- به نظر شما، با به کارگیری روش علمی چه مسائلی را در زندگی اقتصادی جامعه می‌توان پیش‌بینی کرد؟
- ۴- اقتصاد چیست؟ دیدگاه اسلام نسبت به اقتصاد چگونه است؟
- ۵- بین وضعیت اقتصادی و استقلال فرهنگی - سیاسی جامعه چه ارتباطی وجود دارد؟
- ۶- فرض کنید جامعه‌ای به جای تولید کالاهای اساسی و ضروری به تولید کالاهای لوکس و تجملی بپردازد. به نظر شما، آیا این اقدام صحیح است؟ چرا؟
- ۷- هزینه فرصت بیانگر چه چیزی است؟ این اصل چگونه در تصمیم‌گیری درست به ما کمک می‌کند؟